

مقدمه مترجم

هاوارد نیوبای^۱، در سخنرانی تأثیرگذاری در زمینه رابطه بین جامعه‌شناسی و محیط زیست (۱۹۹۱) این موضوع را مطرح کرد که «تغییر زیست‌محیطی همان قدر که مسئله علوم طبیعی است، مسئله علوم اجتماعی هم هست». به رغم اهمیت مسائل زیست‌محیطی، جامعه‌شناسی نسبت به مسائل زیست‌محیطی تا مدت‌ها سکوت پیشه کرد. اگرچه همان‌طور که آلن ایروین می‌گوید جامعه‌شناسی قرن بیستم در مورد مسائل زیست‌محیطی عمدتاً ساکت بوده و اظهار نظری نکرده است، اما نگرانی نسبت به مخاطرات و مسائل زیست‌محیطی در مطالعات علمی و فناوری به سرعت جای خود را در مطالعات جامعه‌شناسی باز کرد. این موضوع را می‌توان به هنگام بررسی منابع موجود درباره ارتباط جامعه‌شناسی و محیط زیست، مخصوصاً مجموعه‌ای از کتابهایی مشاهده کرد که از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد با چنین عناوینی انتشار یافتند: موقعیت سبز: جامعه‌شناسی مسائل زیست‌محیطی، بحثها و خط‌مشیها، نظریه اجتماعی و محیط زیست جهانی، جامعه و طبیعت: به سوی یک نظریه اجتماعی سبز، ساختار اجتماعی طبیعت، جامعه‌شناسی محیط زیست، دعوت به جامعه‌شناسی محیط زیست و بوم‌شناسی و جامعه. این فهرست طولانی است و هر ساله نیز طولانی‌تر می‌شود.

جامعه‌شناسی محیط زیست به عنوان شاخه نسبتاً نوپای جامعه‌شناسی، به سرعت مراحل رشد و تحول خود را پشت سر گذاشت و اهمیت روزافزونی در کنار دیگر حوزه‌های علمی، در مراکز دانشگاهی، علمی، تحقیقاتی پیدا کرد. روند فزاینده ایجاد کرسی جامعه‌شناسی محیط زیست در دانشگاه‌های دنیا و اشتغال به تحصیل شمار قابل توجهی از دانشجویان از یک سو و فراوانی محققان، کارشناسان و دست‌اندرکاران مسائل محیط زیست از سوی دیگر، تقاضا برای کسب دانش و آگاهی تخصصی‌تر در این زمینه را افزایش داده است.

نیوبای در بخش آخر سخنرانی خود ابراز داشت: «برای آینده همه ما ضروری است که هیچ فرصتی را در راه کسب دانش مناسب درباره خودمان و ارتباطمان با سیاره زمین از دست ندهیم». گرچه سخنان نیوبای در کشورهای پیشرفته صنعتی مؤثر افتاد، اما وضعیت در دیگر کشورها به گونه متفاوتی بوده است. به همین دلیل، امروزه بازخوانی سخنرانی نیوبای نشان می‌دهد که برخی از ادعاهای او هنوز هم معتبرند. هنوز هم گرایشی وجود دارد که ابعاد «اجتماعی» مسائل زیست‌محیطی را موضوعاتی دسته دوم در مباحث سیاست‌گذاری انگاشت - یعنی مجموعه‌ای از مسائل «نرم» که به محض جمع‌آوری شدن «واقعیتهای سخت» باید منقح شوند.

همانند سطح جهانی که جامعه‌شناسان با وقفه نسبتاً طولانی در مقایسه با دیگر علوم به امر مطالعه مسائل محیط زیست روی آوردند، جامعه‌شناسان ایرانی نیز بسیار با تأخیر وارد مطالعات جامعه‌شناختی محیط زیست شدند. آنچه در شرایط کنونی ایران مشهود است این است که ظاهراً نسل جوان و نیز تازه‌واردان بیش از نسل گذشته به موضوعات جامعه‌شناسی محیط زیست علاقه‌مندی نشان می‌دهند. صرف نظر از تأخیر در تمایل یا پرداختن به مسائل محیط زیست از دیدگاه جامعه‌شناسی محیط زیست، در شرایط امروزی گریز و

۱. Howard Newby in Irwin, A, ۲۰۰۱, *Sociology and the environment*, Cambridge, Polity Press.

چاره‌ای هم نسبت به پرداختن به مسائل محیط زیست وجود ندارد. در حقیقت، امروزه الزامات عینی و شرایط بیرونی بیش از الزامات نظریه‌ای، صاحب‌نظران را وامی‌دارد که به مسائل محیط زیست بپردازند. این مهم در قالب علوم فنی و مهندسی، پزشکی، علوم تجربی و... محقق شده، ولی در قالب علوم اجتماعی به صورت عام و جامعه‌شناسی به صورت خاص مطالعاتی به خود نگرفته است. صرف نظر از دلایل تأخیر در ورود به مباحث جامعه‌شناسی محیط زیست، این اتفاق نظر وجود دارد که جامعه‌شناسی محیط زیست پدیده‌ای نوپا و درخور توجه شایان در سطوح مختلف است.

با توجه به نوپا بودن این حوزه مطالعاتی در داخل کشور و کمبود منابع و مراجع علمی معتبر فارسی، به کارگیری و استفاده از منابع تخصصی خارجی و به ویژه انگلیسی، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. کتاب مبانی جامعه‌شناختی محیط زیست یا به عبارت فنی و تخصصی‌تر کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست نوشته فیلیپ ساتن یکی از اصلی‌ترین منابع درسی است که می‌تواند پاسخگوی این نیاز اساتید، محققان و دانشجویان و کارشناسان باشد و انتقال درست، سریع و آسان دانش و تجربه موجود در یک زمینه تخصصی را ممکن سازد.

بی‌تردید انتخاب یک اثر علمی از میان مجموع آثار مختلف، امری است مشکل و هنگامی که این کار به قصد ترجمه برای مخاطبان بالقوه‌ای صورت پذیرد که آشنایی آغازین برای آنها در این زمینه ایجاد خواهد شد، کاری است بسیار مشکل‌تر. به عنوان یک راه میان‌بر و به قصد انتخاب صحیح‌تر، از مجموعه‌ای از جامعه‌شناسان برجسته محیط زیست در دنیا و مخصوصاً اعضای کمیته تحقیقاتی ۲۴ انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی نظرخواهی کردم و در نهایت نظر استاد و دوست گرامی آقای رایلی دانلپ و کاتن، معروف به بنیانگذار جامعه‌شناسی محیط زیست، را صائب دیدم. البته رایلی پس از سه ماه بررسی و با ویژگیهایی که از یک کتاب مناسب برای ترجمه جهت مخاطب ایرانی توصیف کردم، کتاب ساتن را معرفی نموده است.

تا آنجا که اطلاعات موجود اجازه می‌دهد می‌توان فرض کرد که به رغم ترجمه متون مختلف در زمینه مطالعات محیط زیست به ویژه آن دسته از آثاری که محققانی چون آقای عبدالحمید وهاب‌زاده ترجمه کرده‌اند، متأسفانه متن قابل توجهی در زمینه جامعه‌شناسی محیط زیست در ایران وجود ندارد. امید است این اثر آغاز راهی باشد برای ترجمه و تألیف کتب در زمینه مطالعات اجتماعی- فرهنگی محیط زیست به صورت عام و مطالعه جامعه‌شناسی محیط زیست به صورت خاص.

از آنجا که زبان انگلیسی به عنوان زبانی جهانی به لحاظ علمی و جغرافیایی از کاربرد گسترده بسیاری برخوردار است، در کنار دیگر ویژگیها این کتاب را به یک منبع اصلی برای علاقه‌مندان جامعه‌شناسی محیط زیست در سراسر دنیا تبدیل کرده است. بنابراین، مطالعه این اثر، خواننده فارسی‌زبان را هم‌سطح علاقه‌مندان جهانی به مسائل جامعه‌شناسی محیط زیست می‌سازد. علاوه بر این، اعتبار علمی به روز بودن و کارآمدی مطالب و محتوای کتاب نیز، از نکات مورد توجه مترجم بوده است.

همانند هر اثر علمی‌ای، ترجمه حاضر مرهون کمکها، حمایتها و راهنماییهای افراد مختلف، در آغاز، طول و انجام مسیر است که بایسته است از آنها تقدیر و تشکر به عمل آید. پیش از همه، از استاد گرامی پروفیسور رایلی دانلپ به خاطر معرفی کتاب حاضر و راهنماییها و تشویقهای مستمر تقدیر و تشکر می‌کنم. از مدیر محترم گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت) جناب آقای دکتر آزاد ارمکی به

خاطر راهنمایی، حمایت و تشویق در ترجمه و انتشار این اثر سپاسگزاری می‌شود. نقش دانشجویان در هر فعالیت علمی - پژوهشی به انحای مختلف قابل توجه است و لذا بایسته است از دانشجویان علوم اجتماعی دانشگاه مازندران و دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور تقدیر و تشکر شود. از آقای حسین محمودی عضو محترم هیئت علمی پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی که با وجود مشغله تحصیلی در مقطع دکتری (در آلمان) زحمت مقابله ترجمه با متن انگلیسی را پذیرفتند و سخاوتمندانه برای این مهم وقت گذاشتند، بسیار سپاسگزارم.

تقدیر و تشکر

کتاب حاضر همچون فکری بکر جهت تدوین یک مقدمه، به یکباره به وجود نیامد، بلکه به تدریج و طی چهار سال و اندی طرح و برنامه کتاب تکامل یافت. زمانی که تدریس جامعه‌شناسی زیست‌محیطی یا جامعه‌شناسی محیط زیست را آغاز کردم، دریافتم که کتابهای درسی «مبانی» (از جمله کتاب خودم) واقعاً موضوع اصلی را «معرفی نکرده»، بلکه بیشتر به بحث و مناظره آن پرداخته است که پیش‌نیاز آنها هم وجود دانشی بود که در حقیقت، بسیاری از دانشجویان جدید فاقد آن بودند. جامعه‌شناسان با تأخیر وارد عرصه مطالعه مسائل زیست‌محیطی شدند و در نتیجه، مسائل زیست‌محیطی جزء موضوعات اصلی دانشجویان جامعه‌شناسی نبوده است. بنابراین، آنچه ظاهراً برای آن خلأ وجود داشت، عبارت بود از دعوت نسبتاً موجز، قابل اعتماد و خوشامدگونه به مطالعه جامعه‌شناختی مسائل زیست‌محیطی از همه کسانی که آشنایی اندکی با جامعه‌شناسی، مسائل زیست‌محیطی یا هردوی آنها داشتند. پیشنهاد ویراستار کتاب، اما لانگ استف از انتشارات پولیتی مبنی بر اینکه باید خودم کار را آغاز کنم، آغازگر فرایندی بود که سرانجام به تألیف کتاب حاضر منجر شد. تشکر ویژه‌ای به اما بدهکارم، زیرا بدون آگاهی او از ضرورت انتشار کتاب در این رشته، احتمالاً منتظر می‌ماندم تا فرد دیگری این کار را انجام دهد. علاوه بر این، او با علاقه‌مندی طرح تألیف کتاب را دنبال کرد و همواره پیشنهادهای مناسبی می‌داد. پس از متقاعد شدن مبنی بر اینکه یک کتاب مبانی موجز برای مجموعه‌ای از دوره‌های محیط زیست و جامعه، مفید خواهد بود، پیشنهاد تألیف کتاب برای بازبینی ارسال شد. مایلم از دیوید هلد و هیئت ویراستاری انتشارات پولیتی و به ویژه داوران مستقل به دلیل اظهارات مبسوط و سازنده و پیشنهادهای مناسب نسبت به پیش‌نویس کتاب تشکر و قدردانی کنم. استیفن ورتیگنز نیز بخشهایی از این کتاب را مطالعه کرد و جهت بهبود کتاب پیشنهادهای سازنده‌ای داد. اطمینان دارم که این پیشنهادهای موجب بهبود بیشتر کتاب شده است، هرچند مسئولیت هرگونه نواقصی برعهده من است.

جوینس لی‌شمن طی سالهای متمادی، در دانشگاه رابرت گوردون کمکهای بی‌دریغی کرده و به ویژه در ارتباط با کتاب حاضر، به عنوان دستیار پژوهشگر در تابستان ۲۰۰۴ خدمت کرده است. از هلن وایت که با جستجوی مطالب مستند و نمونه‌های بین‌المللی خدمات ارزنده‌ای کرده است، تشکر ویژه می‌شود. امیدوارم که هلن خود را مشعل‌دار برخی از نمونه‌هایی بداند که من از آنها استفاده کردم، گرچه فکر می‌کنم، برایش جای سؤال است که بر سر بقیه نمونه‌ها چه آمده است. شاید در فرصت دیگری از آنها استفاده شود. همچنین از رادی همیلتن برای توصیه‌های ارزشمند و فنی جهت مرتب کردن فایل‌های تصویری کتاب تشکر می‌کنم. نیز مدیون جولیان بل هستم برای درک، حمایت و علاقه بی‌نظیرش که همواره مورد قدردانی است. همچنین باید به نقش دانشجویانم در درس محیط زیست و جامعه اشاره کنم که مرا متوجه نوع مطالبی کردند که در چنین متن درسی مقدماتی‌ای بسیار سودمند خواهد بود.

سرانجام، از پات برای فراهم کردن امکان انتشار این کتاب و صبر مداوم در برابر بازنگریهای به ظاهر بی‌پایان من، صمیمانه تشکر می‌کنم

مقدمه

پیش‌فرض اولیه من این است که هر کسی که این کتاب را برای مطالعه برگزیده، علاقه‌مند به کسب دانش در زمینه محیط زیست، جامعه‌شناسی یا هر دوی آنهاست. برای کسانی که علاقه‌مند به محیط زیست‌اند، این کتاب برخی از مسائل و مشکلات اساسی زیست‌محیطی را دربر دارد، علاوه بر این، نشان می‌دهد که چگونه جامعه‌شناسان در این زمینه می‌اندیشند و در این حوزه تحقیق می‌کنند. سعی من این خواهد بود که به آنان بقبولانم که درک، تبیین و حل مشکلات زیست‌محیطی مستلزم دانش جامعه‌شناختی است. در این کتاب سعی خواهد شد کسانی را که از قبل علاقه‌مند به جامعه‌شناسی بودند متقاعد کرد که مسائل و مشکلات زیست‌محیطی را جدی بگیرند. همچنین جامعه‌شناسان اگر بخواهند همکاری لازم را در این زمینه انجام دهند، باید آمادگی لازم برای تلاش در فهمیدن شواهد علوم طبیعی را داشته باشند. البته اگر کسی از قبل هم به محیط زیست و هم به جامعه‌شناسی علاقه‌مند باشد، نیازی به متقاعد شدن ندارد، هرچند ممکن است منابع و مثالهای خاص مفید واقع شود.

کتاب حاضر برای دوگونه مخاطب خاص نگاشته شده است، یکی «فرد عادی نکته‌بین» (احتمالاً خیالی) و دیگری دانشجوی تازه‌وارد دوره کارشناسی (احتمالاً واقعی). برخی از مخاطبان نوع اول ممکن است به نوع دوم تغییر ماهیت بدهند و این تغییر می‌تواند قبل، بعد یا احتمالاً در حین خواندن این کتاب رخ دهد، هرچند که به هیچ وجه این امر ضروری نیست. با وجود این، کتاب حاضر ماهیت جامعه‌شناختی دارد و دربردارنده برخی از مسائل اساسی این رشته است. اکثر اوقات، محتویات جامعه‌شناختی و به‌خصوص نظریه‌ها، در خلال مباحث مربوط به شواهد به کار رفته، گنجانده شده، یا با اشاره‌ای نسبتاً کوچک عرضه می‌شود. بدین ترتیب، نقش جامعه‌شناختی به تدریج شکل می‌گیرد و از مدارک و شواهد عینی جدا نمی‌شود. از این رو، امیدوارم افرادی که هیچ اطلاعی از جامعه‌شناسی ندارند، یا کسانی که اطلاعات اندکی دارند، بتوانند از این کتاب استفاده مفیدی کنند. دانشجویان جدید جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جغرافیا و علوم زیست‌محیطی بدون آنکه با نظریه اجتماعی دچار سردرگمی شوند، باید بتوانند مطالب این کتاب را بخوانند و بفهمند. البته قبول دارم که بخشی از این نظریه‌ها بی‌جهت طولانی است.

سبب نوشتن کتاب درسی حاضر، این بود که به تدریج متوجه شدم، علی‌رغم وجود بسیاری از کتابهای مبانی «جامعه‌شناسی زیست‌محیطی» و «جامعه‌شناسی محیط زیست» برای مطالعات سطوح بالاتر از دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد نوشته شده‌اند. بدین معنی که هرکسی که به جامعه‌شناسی روی می‌آورد تا چیزی را بیابد و بتواند بر دانشش در زمینه محیط زیست و موضوعات زیست‌محیطی بیفزاید، احتمالاً مطالب موجود را مفید نخواهد دید، چون در سطحی بسیار بالا نوشته شده و پیش‌نیاز آن، داشتن دانش پیشین جامعه‌شناختی است. این کتاب چنین پیش‌نیازی لازم ندارد. با تدریس دروس محیط زیست و جامعه‌تا حدودی متقاعد شده‌ام که یک کتاب مبنایی‌تر حتی می‌تواند به دانشجویان سطوح بالاتر جامعه‌شناسی نیز کمک کند. این بدان علت است که جدا از بعضی مطالب مختصر در باب مخاطرات، سیاستهای زیست‌محیطی و مباحث کلی در زمینه پدیده‌های بیولوژیک و طبیعی واقعاً مطالب زیادی درباره «محیط زیست» در برنامه درسی رشته جامعه‌شناسی وجود ندارد. حتی اگر دانشجویان سطوح بالاتر جامعه‌شناسی

زیست‌محیطی می‌توانند بر بخش جامعه‌شناسی کتاب تسلط کافی داشته باشند، ولی فقدان آشنایی قبلی آنها با مسائل زیست‌محیطی ممکن است شکافی در دانششان ایجاد کرده باشد، که انتظار می‌رود این کتاب به پرکردن آن شکاف کمک کند. این فقدان آشنایی باعث می‌شود دانشجوی سابق که سعی داشت ما را متقاعد کند که محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی می‌توانند بخشی از یک توطئه بیگانه‌فرا-زمینی جهت حذف گونه‌های انسانی باشند، نتواند کاملاً آن را توضیح دهد و تبیین کند.

هیچ‌کدام از اینها به این معنی نیست که این کتاب سهل و آسان است. موضوعاتی که در این کتاب با آن سروکار داریم مستلزم علاقه و نیازی حقیقی برای فهمیدن مجموعه وسیعی از مباحث زیست‌محیطی است، از علم گرم شدن جهانی و تاریخچه جنبش‌های زیست‌محیطی تا توسعه درازمدت اجتماعات بشری. اما به عقیده من این چالشی کاملاً با ارزش و ستودنی است. همان‌طور که بسیاری دیگر از جامعه‌شناسان دریافته‌اند، سعی در فهمیدن مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، همه ما را به قلمروی کاملاً «بیگانه» می‌برد. هنگامی که دانشجوی جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی بودم و برای پایان‌نامه‌ام در زمینه روابط جامعه و محیط زیست، دنبال اطلاعات می‌گشتم، غالباً در بخشهایی از کتابخانه در حال گشتن و پرسه زدن بودم که سابقاً مناطق ورود ممنوع، محسوب می‌شد: زیست‌شناسی عمومی، فیزیک، جغرافیا (انسانی و فیزیکی)، اقتصاد، تاریخ، تاریخ علم، انسان‌شناسی و حتی الهیات و مطالعات مذهبی. اما این کار کاملاً ضروری بود، زیرا طبقه‌بندی خود کتابخانه از کتابهای «محیط زیست» با تقسیم‌بندیهای علمی موجود تعیین می‌شد. در واقع، دانش و اطلاعاتی که این کتابها دربر داشته‌اند، نه تنها ممکن نبود با این طبقه‌بندی یکسان شود، بلکه خود نیز مورد توجه برنامه‌های جامعه‌شناختی بود که مسائل زیست‌محیطی را هم دربر می‌گرفت. در حقیقت، همه بخشهای کتابخانه که ذکر شد، برای علاقه‌مندان به طبیعت، محیط زیست و جامعه‌اطلاعاتی برای عرضه کردن دارند. من قویاً سیاست تحقیقاتی خود را توصیه می‌کنم - «پرسه علمی» و «جستجوکردن» به مثابه راهی برای یافتن روابط محتمل ناموجه در میان رشته‌ها که متأسفانه، در عصر بسته‌های نرم‌افزاری کیفی یا پایگاه داده‌های الکترونیکی، از این روش تحقیقاتی استفاده نمی‌شود.

دو نکته بسیار مهم در اینجا مطرح می‌شود: نخست، در متن حاضر از مثالها و موارد تصویری استفاده می‌شود که مبتنی است بر دانش محلی خودم درباره وضعیت و پیشینه تحقیقاتی انگلستان. بدین معنی که در طول این متن، مثالهای بسیار زیادی از انگلستان مطرح خواهد شد. به هر حال، در موقع مناسب از ادبیات گسترده‌تری استفاده کرده‌ام، مخصوصاً زمانی که چنین کاری موجب قوی‌تر شدن یک استدلال یا روشن شدن یک نکته می‌شد. بدین ترتیب، موضوعات زیست‌محیطی در اروپای شرقی پس از کمونیسم، هند، چین، امریکای شمالی و افریقا و بسیاری دیگر از کشورها جایگاه خاصی دارد. جنبه مطلوب و رضایت‌بخش مطالعات زیست‌محیطی، پذیرش این موضوع است که به طور یقین موضوع به یک کشور یا ناحیه محدود نمی‌شود. کل جهان طبیعی و انسانی، بخشی از موضوع اصلی ما هستند و ما فقط باید موضوعات را تا هرجا که ما را با خود می‌برند دنبال کنیم، هم به صورت جغرافیایی و هم به صورت عقلانی. این شیوه نه تنها جذاب بلکه الزاماً مورد نیاز است.

دوم، کتاب حاضر مرور دیگری بر عقاید جامعه‌شناختی در زمینه موضوعات زیست‌محیطی، دست‌کم به روش سنتی، به دست نمی‌دهد. به این دلیل که سعی کرده‌ام ارجاع به مؤلفان و آثارشان را تا حد امکان حفظ کنم

تا اینکه نقش اصلی و اساسی‌شان را به صورت مجموعه‌ای منسجم و قابل خواندن خلاصه کنم. یکی از فواید این روش این است که متن را بدون اینکه نیازی باشد کتاب را با سیلی از اسامی و تاریخ پر کرد، روی معرفی نظریه‌ها و استدلال‌های همراه با نمونه‌ها و مدارک روشن‌تر متمرکز ساخت. البته نوع دوم مشکلی ندارد و در واقع، پذیرش رسوم آکادمیک، بخش الزامی کاری است که انجام می‌دهیم، اما نه در این سطح. همچنین توجه ما بر ارائه چهره واضحی از برخی نظرها و بحث‌های اصلی است تا اینکه درگیر انتقاد گسترده‌ای در این زمینه شویم. بنابراین، این کتاب همچون نقطه ورود به رویکردهای جامعه‌شناسی محیط زیست در نظر گرفته شده تا چنانچه خوانندگان قصد مطالعه بیشتری دارند، منابع گسترده‌تری به آنها معرفی شود. کتاب‌شناسی، باید در این زمینه کمک کند و مطالب اصلی خواندنی را می‌توان در انتهای فصول پیدا کرد. همچنین برای دسترسی به مطالب مهم کتاب واژه‌نامه‌ای از لغات اصلی فراهم کرده‌ام. واژه‌های مهمی که برای اولین بار در کتاب به کار رفته، برجسته نوشته شده‌اند. البته، خواننده‌ها ممکن است جوابهایی را که به دنبالش هستند در اینجا نیابند، اما امید است این کتاب موجب شود آنها بتوانند در جای مناسب جوابهایشان را جستجو کنند.

ساختار کتاب

در این کتاب، به طور کلی رویکردی درازمدت اتخاذ شده است که در آن موضوعات زیست‌محیطی کنونی در یک

زمینه گسترده‌تر اجتماعی و تاریخی قرار گیرد. همچنین در متن حاضر تا حد امکان، متناسب با سطح آگاهی دانشجویان جدید به موضوع روابط محیط زیست و جامعه پرداخته شده است، از این رو بدون شک، دیگران متوجه خواهند شد که بعضی چیزها حذف شده یا به طور مشروح به آنها پرداخته نشده است. فصل‌های جداگانه، موضوعاتی‌اند که مجموعه‌ای در هم تنیده را تشکیل می‌دهند و گهگاهی هم در بخش‌های نسبتاً گسسته، ممکن است مسائلی مطرح شود که در فصل بعدی چندان به آنها پرداخته نمی‌شود. این موضوع اجتناب‌ناپذیر است، اگرچه سعی کرده‌ام هرگاه که امکان‌پذیر بوده، مسائل بعدی را مطرح کنم. به خواننده‌ها توصیه می‌شود که سؤال‌های بی‌پاسخ خود را حفظ کنند تا زمانی که در فصل مربوط، به صورت مفصل مورد بحث قرار گیرد. برای کسانی که به ساختار علاقه‌مندند، این کتاب تقریباً به صورت تلویحی به سه بخش تقسیم شده است که فصل اول آن به موضوعات اجتماعی-تاریخی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مربوط است و در دو فصل بعدی سعی شده با ترکیب سطوح در سطح جهانی‌تر بحث شود. برای شناخت بیشتر، تفکیک فصل‌ها بدین صورت است که در ادامه می‌آید.

در فصل اول تا سوم به شیوه‌هایی پرداخته می‌شود که از آن طریق، افراد به کسب دانش درباره محیط طبیعی می‌پردازند. بیشتر دانش مردم درباره محیط زیست از طریق کتاب‌های دانشگاهی، برنامه‌های مستند تلویزیونی، داستانها، فیلمها و تجارب شخصی به دست می‌آید. در اغلب اوقات، بعضی از این دانشها در تضاد با یکدیگرند و ما باید خودمان نتیجه‌گیری کنیم. برای مثال، آیا واقعاً سیاره زمین به طور پیوسته و یکنواخت در حال گرم شدن است؟ در این فصل برخی از سؤالات مهم در این زمینه مطرح می‌شود، چگونه این عقاید درباره طبیعت در طول زمان تغییر کرده‌اند. «طبیعت» چیست و چگونه باید مطالعه شود؟ به طور آشکار، دانش علمی جایگاه ممتازی در بین منابع ممکن دانش دارد و اگرچه علم، بسیاری از انواع دیگر دانش را

کنار گذاشته یا به حاشیه رانده، به طور کامل آنها را حذف نکرده است. مسائلی که جوامع مدرن را به درد سر می‌اندازد این سؤال است که انسان با محیط طبیعی، در کجا به سازش می‌رسد. آیا آنها بخشی از طبیعت‌اند یا مستقل از آن؟ در این کتاب، به طور خاص رویکرد جامعه‌شناختی برای پاسخ به این سؤال برگزیده شده است که در آن جامعه‌شناسی، انسان را موجودی می‌بیند که از نظر طبیعی تکامل یافته و در عین حال، از لحاظ اجتماعی توسعه یافته است. پیچیدگیهای این نوع نگرش، در این کتاب دنبال می‌شود. سرانجام، روشهای جامعه‌شناختی کسب دانش در زمینه مباحث زیست‌محیطی معرفی می‌شود. این روش به صورت قطعی عرضه شده است، زیرا آنها به همان ترتیب زمانی توسعه پیدا کرده‌اند. با وجود این، باید به خاطر داشت که از همین جا روشهایی پیرامون این اختلافات شکل می‌گیرد و بعضی از اینها در اینجا مطرح می‌شوند. روشهای شناخت محیط زیست به عنوان موضوع بسیار مهمی باقی می‌مانند، زیرا ما بر مبنای آنچه درباره محیط زیست می‌دانیم، عمل می‌کنیم. اگر واقعاً گرم‌شدن جهان در حال اتفاق افتادن باشد، ولی ما متقاعد شویم که این‌طور نیست، در آن صورت، پیامدهای آن ممکن است به زحمت جدی به نظر برسد. برعکس، اگر ما متقاعد شویم که گرم‌شدن جهانی واقعی است در حالی که این‌گونه نیست، در آن صورت ممکن است مقدار زیادی از زمان، تلاش و پول دنیا را صرف جلوگیری از آن به قیمت رها کردن مشکلات واقعاً جدی کنیم.

در فصل چهارم و پنجم دگرگونی محیط طبیعی ناشی از فعالیتهای انسانی بررسی می‌شود. در اینجا نیز دیدگاهی بلندمدت اتخاذ شده است، زیرا اگر قرار است از بدفهمیها دوری شود، باید «تاریخ معاصر» را همان‌گونه‌ای که بوده است در ذهن داشته باشیم. پیش از اینکه بر روی صنعتی شدن، توسعه شهری و الگوهای تولید و مصرف سرمایه‌داری تأکید کنیم، بر توسعه اجتماعی انسان مرور مختصری خواهیم داشت. ترکیبی از این موارد توانست نتایج انقلابی آنها را هم برای زندگی انسان و هم برای محیط طبیعی که به هم وابسته‌اند، نشان دهد. نتایج غیر قابل محاسبه این دگرگونیها همراه با منازعات جاری درباره خطر و آگاهی از خطر بررسی شده است. به نظر می‌رسد در طول سالهای اخیر مردم نسبت به مخاطره‌های زندگی در دنیای مدرن آگاه‌تر شده‌اند. اگرچه بسیاری از خطرهای بسیار جدی برحسب محیط زیست تعریف شده‌اند، به هیچ‌وجه همه اینها به محیط زیست مربوط نمی‌شود. برای مثال، یک مبحث اصلی زیست‌محیطی، آلودگی صنعتی و آثار آن بر سلامت انسانها و محیط زیست است. در این بخش، به طرح برخی از سؤالات مهم پرداخته و بعضی از روشهایی معرفی می‌شود که از آن طریق ممکن است سطوح آلودگی کاهش یابد.

در فصل ششم و هفتم با نگاهی به گسترش گروههای زیست‌محیطی و حفظ منابع طبیعی، احزاب سیاسی طرفدار محیط زیست، ایدئولوژیهای زیست‌محیطی، سبز شدن نظامهای سیاسی و مسئله سیاست‌گذاریهای زیست‌محیطی ارزیابی می‌شود. سیاستهای زیست‌محیطی بخشی از جنبشهای گسترده‌تر زیست‌محیطی است که می‌توان آنها را همراه با دیگر جنبشهای سیاسی همانند فمینیسم، جنبش افراد معلول، جنبشهای صلح و ضد انرژی هسته‌ای و غیره مطالعه کرد. جامعه‌شناسان باید جنبشهای اجتماعی را جدی بگیرند، زیرا آنان هنوز هم منبع عقاید، فعالیتهای جدید در جوامع‌اند. بسیار سخت است که بدون ملاحظه مبارزه خستگی‌ناپذیر سازمانهای زیست‌محیطی همانند صلح سبز یا تعهد فعالان و حمایت‌کنندگان محیط زیست، بتوان «محیط زیست» را چنان مسئله سیاسی کاملاً شناخته شده‌ای تصور کرد که امروز هست. با وجود این،

این هم از جمله مواردی است که برای ورود وضعیت محیط طبیعی به اذهان عمومی بیشتر از این مورد نیاز است. تغییرات اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تر می‌تواند به گونه‌ای بر نگرش و اعتقادات تأثیر گذارد و آن را شکل دهد که بحثها و اعتراضات محیط زیست‌گرایان را هدایت کند و لذا، ما باید نسبت به این موضوع حساس باشیم. اگر حساس نباشیم، ممکن است این عقیده (غلط) را بپذیریم که فعالیت عده‌ای اندک، هر زمان که بخواهند جوامع را تغییر می‌دهد. براساس گفته کارل مارکس که «افراد تاریخ را می‌سازند»، افراد انقلابها را به وجود می‌آورند یا از آن جلوگیری می‌کنند. اما این‌گونه نیست که هر وقت آنها اراده کنند، چنین چیزی حاصل شود. آنان در لحظه خاصی از جریان توسعه تاریخی متولد می‌شوند. برای محیط زیست‌گرایان، بیش از یک قرن طول کشید تا عقایدشان مقبولیتی گسترده پیدا کرد و جدی گرفته شد.

در فصل هشتم و نهم به این معضل پرداخته می‌شود که چگونه می‌توان توسعه اقتصادی را با حفظ محیط زیست از طریق مفهوم توسعه پایدار، پیوند داد؛ جنبه جهانی موضوعات زیست‌محیطی کتاب را کامل می‌کند. چهارچوب غالب توسعه اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد و بعضی مثالهای آن نشان می‌دهد که چرا این موضوع بحث اصلی فعالان محیط زیست در سطح بین‌المللی است. یک ویژگی قابل توجه توسعه پایدار، شیوه‌ای است که می‌کوشد مشکلات زیست‌محیطی را با عدالت اجتماعی و فقر در کشورهای در حال توسعه ارتباط دهد. طرفداران توسعه پایدار معتقدند اگر مباحث عدالت اجتماعی جهانی حل نشود، هیچ امیدی برای آینده پایدار وجود ندارد. این بحث مطرح و مورد بحث هم قرار می‌گیرد. گرم‌شدن جهانی نیز در اینجا به عنوان موضوع زیست‌محیطی جهانی به تمام معنی معرفی شده و پیمایش مربوط به منازعات علمی و اجتماعی در مورد آن تلاش دارد به ارزیابی اهمیت بالقوه آن برای آینده بپردازد. همچنین در فصل نهم برخی راه‌حلهای سازنده برای مسائل جهانی با نام «مدرنیته کردن جهانی» عرضه می‌شود.

در انتهای کتاب، امید من این است که خوانندگان، بعضی از رویکردهای مشخص جامعه‌شناختی مربوط به مباحث زیست‌محیطی را درک کنند و بفهمند که چرا اینها باید بخشی از همه تلاشهایی محسوب شود که برای درک و حل مشکلات زیست‌محیطی آینده صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، امیدوارم کسانی که با علاقه‌مندی به سراغ محیط زیست می‌آیند، بتوانند بینش جامعه‌شناختی کسب کنند و کسانی که علاقه جامعه‌شناختی، آنها را به سمت مطالعه این کتاب سوق داد، با درک بهتری از مفهوم اساسی مسائل زیست‌محیطی برای آینده این رشته، کتاب را به پایان برسانند.